



شبکه‌های اجتماعی

۹

پیامدهای تمدنی آن



احمد اولیائی^۱

درآمد

موضوع شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای تمدنی از موضوعاتی است که در مورد آن بحث‌های بسیاری انجام شده است، چون امروزه شبکه‌های اجتماعی یکی از پر مصرف‌ترین کالاهای فرهنگی است که بخش بزرگی از سبد مصرف فرهنگی فرد، خانواده و جامعه را پر کرده است. بحث تمدن هم موضوعی است که درباره‌اش زیاد صحبت شده است، مخصوصاً این روزها که بحث تمدن نوین اسلامی بسیار مطرح است.

عبارت تحت عنوان «سوشال نت ورک» وارد ادبیات ارتباطات و ادبیات جامعه شد و پس از آن بسیار مورد استفاده قرار گرفت و شنیده شد، به خاطر این که اساساً سرعت تکنولوژی‌های ارتباطی و اپلیکیشن‌های تلفن‌های همراه و به طور کل حرکت رو به

رشد سریع فضای سایبر و مجازی به سمتی

است که شبکه‌های اجتماعی

بسیار نقش ایفا می‌کنند و

تعدادشان به شدت گسترده

شده است. معروف‌ترین و

مشهورترین آن‌ها فیس بوک،

توییتر، اینستاگرام، واتس‌آپ

و... است که همگان با آن آشنا

هستند و چندان نیاز به بحث

در جزئیات نیست. تقریباً بیش

از نیمی از جهان در حدود چهار

میلیارد و نیم نفر در شبکه‌های اجتماعی

حضور دارند و در ایران هم درصد بالایی از

مردم در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند و

این می‌تواند نشانه‌ای باشد که ما با جهان

اجتماعی دیگری روبه‌رو شده‌ایم.

همان‌طور که گفته شد تقریباً نیمی از

جهان در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند

و در ایران هم این روند روبه‌رشد است، در

سال ۱۳۹۶ تقریباً ۵۳ درصد از مردم ایران

در شبکه‌های اجتماعی حضور داشتند؛ ولی

در سال ۱۳۹۹ به ۶۵ درصد رسیده است و

این روند به صورت تصاعدی در حال رشد

است؛ یعنی می‌توانیم بگوئیم که ۷۰ درصد

بینش تمدنی و رویکرد تمدنی یکی از

مسائل مهمی است که می‌توان به تمام

موضوعات پیوند زد؛ چون ما از رویکرد و از

بینش صحبت می‌کنیم؛ از این رو می‌توان

شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و

هر پدیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی را با رویکرد تمدنی مؤرد بازخوانی و

مطالعه مجدد قرار داد؛ بنابراین

ارتباط بین تمدن و شبکه‌های

اجتماعی از این منظر قابل

توجیه است که ما می‌توانیم

شبکه‌های اجتماعی و فضای

مجازی را به عنوان پدیده

معمولی مورد مطالعه قرار

دهیم و گاهی می‌توانیم با

رویکردهای مختلف مورد

تحقیق و بررسی قرار دهیم.

برای مثال می‌توانیم شبکه‌های اجتماعی را

با رویکرد امنیتی مورد مطالعه قرار دهیم،

نیز مطالعه و مشاهده کنیم که شبکه‌های

اجتماعی از حیث پیامدهای امنیتی چگونه

می‌تواند باشد؟ می‌توانیم شبکه‌های

اجتماعی را با رویکرد اقتصادی یا با رویکرد

سیاسی و پیامدهایی که می‌تواند در نظام

سیاسی داشته باشد مورد بازخوانی قرار

دهیم. تمام این موارد عینک جدید است

که بر چشم می‌زنیم و این پدیده اجتماعی

و ارتباطاتی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

شبکه‌های اجتماعی چندان نیاز به

تعریف ندارد؛ تقریباً از سال ۱۹۵۴ این

تقریباً بیش از نیمی از جهان در حدود چهار میلیارد و نیم نفر در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند و در ایران هم درصد بالایی از مردم در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند و این می‌تواند نشانه‌ای باشد که ما با جهان اجتماعی دیگری روبه‌رو شده‌ایم.

مطلوب؛ یعنی جایی که مردم آزادانه بدون دغدغه و با اختیار تام در مورد مسائل پیرامون خودشان گفت‌وگو می‌کردند. از این حوزه‌های عمومی در انگلستان و حتی از ایران هم یاد می‌کند و می‌گوید باید برویم به سمت احیای حوزه‌های عمومی؛ جایی که ارتباط مبتنی بر گفت‌وگو بتواند فضای آزاد را فراهم کند. شبکه‌های اجتماعی تقریباً به دنبال آماده‌کردن چنین فضایی هستند؛ یعنی فضایی که فرد می‌تواند آن‌جا گفت‌وگو کند. مراد از آزادی نیز آزادی سیاسی یا آزادی بیان و مانند این‌ها نیست؛ یعنی فرد در هر حوزه‌ای می‌تواند نظراتش را بیان کند؛ چه نظریه علمی، چه اقتصادی، چه سیاسی و... . برابری در اظهارنظرها وجود دارد فارغ از این که برخی از شبکه‌های اجتماعی توسط شرکت‌های آمریکایی اداره می‌شوند و به طور طبیعی بسیاری از مواقع پیش می‌آید که اعمال قدرت می‌کنند در بستن پیج‌ها و مانند این‌ها؛ ولی مبنای شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تقویت و احیای فضای گفت‌وگو و حوزه عمومی جدید می‌باشد.

وضعیت فعلی شبکه‌های

جامعه ایران که طبیعتاً بین ۱۵ تا ۳۵ سال را بیشتر شامل می‌شود در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند و این نشان می‌دهد که چقدر این موضوع حائز اهمیت است و نمی‌شود از آن به سادگی گذر کرد و صرفاً به عنوان یک ابزار سرگرمی و تفریح و کارکردهای این چنینی آن را مورد بررسی قرار داد؛ اگر تعداد کم بود و اگر نسل جوان ما در این شبکه‌های اجتماعی حضور نمی‌داشت شاید مانند یک ابزار تفریحی و سرگرمی از جنس رسانه به آن نگاه می‌کردیم؛ ولی اکنون با توجه به سطح استفاده ما باید با شدت و قوت بیشتری مسئله را دنبال کنیم. حدود ۸۸ درصد مصرف‌کنندگان شبکه‌های اجتماعی در ایران علاقه‌مند به استفاده از واتساپ هستند و در واتساپ شبکه اجتماعی را دنبال می‌کنند و پس از آن اینستاگرام با ۶۸ درصد است؛ البته این آمار تقریبی است و شبکه‌های اجتماعی با توجه به نظریه هابرماس اندیشمند فرهنگی اجتماعی مکتب فرانکفورت، حوزه عمومی جدید را رقم زده است.

هابرماس از حوزه‌های عمومی‌ای یاد می‌کند که در ۱۵۰ سال پیش در قهوه‌خانه‌ها شکل می‌گرفت و به عنوان حوزه عمومی

مراد از آزادی نیز آزادی سیاسی یا آزادی بیان و مانند این‌ها نیست؛ یعنی فرد در هر حوزه‌ای می‌تواند نظراتش را بیان کند؛ چه نظریه علمی، چه اقتصادی، چه سیاسی و... . برابری در اظهارنظرها وجود دارد فارغ از این که برخی از شبکه‌های اجتماعی توسط شرکت‌های آمریکایی اداره می‌شوند و به طور طبیعی بسیاری از مواقع پیش می‌آید که اعمال قدرت می‌کنند در بستن پیج‌ها و مانند این‌ها؛ ولی مبنای شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تقویت و احیای فضای گفت‌وگو و حوزه عمومی جدید می‌باشد.

آن «فردیت» تبلور بیشتری نسبت به انسان اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد.

لازم نیست لباس بپوشید، وارد جامعه شوید با چندین نفر سلام و احوال‌پرسی کنید و ارتباطات چهره به چهره گرم داشته باشید، می‌توانید در منزل، و اتاق تنهایی و خلوت خود، در شبکه‌ها حضور فعال و مستمر داشته باشید. این ویژگی با انسان فردگرای دنیای

مدرن سازگاری بسیاری دارد؛

از این رو با فرد ارتباط عمیقی

برقرار می‌کند. از طرف دیگر

دنیای امروز، دنیای پُراسترسی

است؛ دنیایی که بسیاری از

عوامل اقتصادی، امنیتی،

سیاسی و... بر استرس‌ها

افزوده، فرد برای ارتباطات خود

نیاز به فضای تنش‌زدا و خالی از

تنش دارد. شبکه‌های اجتماعی

در مقایسه با ارتباطات حقیقی

این تنش را کم می‌کنند؛ یعنی

شما می‌توانید با یک هویت

غیرآشکار وارد شبکه اجتماعی

شوید. هویت غیرآشکار مساوی

است با کاهش تنش. وقتی کسی بتواند در

پس نقاب حرف بزند، این کار تنش‌های او

را کم می‌کند و در مقابل مسئولیت را هم

کم می‌کند. از طرف دیگر هر موقع از ارتباط

ناراضی بودید می‌توانید از آن فضا خارج شوید.

این کار تنش را به حداقل می‌رساند. کارکردن

اجتماعی به نحوی است که تمام گُنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی ما را تحت الشعاع قرار داده؛ یعنی ارتباطات میان فردی، ارتباطات

فرهنگی، ارتباطات بین‌المللی ما در پوشش شبکه‌های اجتماعی تبلور پیدا کرده است.

شما در مصادیق متعدد می‌توانید لمس کنید زمانی مواضع یک وزارتخانه یا یک نهاد

سیاسی را سخنگو اعلام می‌کرد؛ ولی الان در اولین مرحله این مواضع را ممکن است

از توثیت متوجه شوید. این

وضعیت نشان‌دهنده این است

که شبکه‌های اجتماعی، حوزه

عمومی خودش را گسترش

می‌دهد و تقریباً تمام موارد

ارتباطی گذشته و نیمه سنتی و

سنتی را دارد. ارتباطات حقیقی

چهره به چهره و مانند این‌ها

حتی صلح‌های مجازی،

ختم‌های مجازی، تبریک و

تسلیم‌های مجازی و آنچه

که اساساً مراودات و مناسبات

انسانی جامعه را در بستر سایبر

و شبکه‌های اجتماعی «Social

Networks» رقم می‌زند،

سرعت تکنولوژی به این دامن می‌زند. تنوع

مثال‌زدنی و جذابیت‌های بصری شبکه‌های

اجتماعی به این قضیه دامن می‌زند و حرکت

کلی عالم و جهان به این سمت می‌رود که

شبکه‌های اجتماعی حرف اول را بزنند و ما

در چه جهانی سیر می‌کنیم؛ جهانی که در

دنیای امروز، دنیای پُراسترسی است؛ دنیایی که بسیاری از عوامل اقتصادی، امنیتی، سیاسی و... بر استرس‌ها افزوده، فرد برای ارتباطات خود نیاز به فضای تنش‌زدا و خالی از تنش دارد. شبکه‌های اجتماعی در مقایسه با ارتباطات حقیقی این تنش را کم می‌کنند؛ یعنی شما می‌توانید با یک هویت غیرآشکار وارد شبکه اجتماعی شوید. هویت غیرآشکار مساوی است با کاهش تنش.

در شبکه‌های اجتماعی که در دنیای پست مدرن به وجود آمده و امتداد دنیای مدرن است، اساساً دغدغه محتوا وجود ندارد. دغدغه‌ای که حاکم است دغدغه سبک است. والتر بنیامین یکی از نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت در نقد دنیای مدرن

و نقش رسانه‌ها نظریه‌ای را با عنوان بازتولید مکانیکی آثار هنری مطرح می‌کند. ایشان در این نظریه می‌گویند: زمانی یک نقاشی را می‌خواستید در موزه لوور ببینید باید به آنجا سفر می‌کردید و این نقاشی را

می‌دیدید؛ ولی الان با توجه به صنعت رسانه عکس‌هایی که از این نقاشی گرفته شده را در فضای مجازی می‌توانید ببینید. او می‌گوید درست است که در دنیای امروز دسترسی به حداکثر خودش رسیده؛ یعنی الان دیگر کسی نیست که تابلوی «لبخند ژکوند» را ندیده باشد؛ ولی چه چیز از بین رفته است؟ ایشان از آن به هاله یاد می‌کند. هاله اثر هنری، قداست اثر هنری و روح اثر هنری است. ایشان می‌گویند بین این تابلو و تابلویی که بازتولید مکانیکی شده، آن چیزی که از بین رفته روح اثر هنری است.

بحث ما اولویت سبک بر محتوا و اولویت کثرت بر وحدت است. الان در شبکه‌های اجتماعی ببینید آن چیزی که ما با آن مواجه هستیم و مردم را راضی کرده بحث افزایش و ارتقای سطح حق دسترسی است؛ یعنی شما

در شبکه‌های اجتماعی، در فضای شخصی با لباس راحتی و...؛ یعنی ارتباطات در کمترین تنش، در دنیایی که تنش و استرس حرف اول را می‌زند. حرکت جهان به این سمت به شیوع، موفقیت و اقبال شبکه‌های اجتماعی بسیار کمک کرده است. اصولاً

اقبال به شبکه‌های اجتماعی علاوه بر جذابیت و مواردی که ذکر کردیم به خاطر این است که سوار بر انسان مدرن شده است. انسان مدرن به یک سبک زندگی خاص رو آورده و وقتی شبکه‌های اجتماعی را بر

روی این سبک سوار کردند انسان با آن ارتباط عمیقی برقرار می‌کند.

آنچه که ما در شبکه‌های اجتماعی با آن مواجه هستیم، ویژگی‌ها و خصوصیات‌های خاصی است که وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که زندگی و اندیشه پست مدرن هم آن‌ها را تأیید می‌کند؛ برای مثال یکی از شاخصه‌های پست مدرن که ما در شبکه‌های اجتماعی ملاحظه می‌کنیم کثرت به جای وحدت است؛ یعنی تنوع بسیار بالای حضور خرده نظام‌های فرهنگی را در شبکه‌های اجتماعی ملاحظه می‌کنیم؛ به این معنا قائل نیست که باید همه ذیل یک سبک، زندگی کنند؛ بلکه می‌توانند در کثرت‌ها و تکثر زیست فرهنگی داشته باشند. این خاصیت دنیای امروز است که عوام از آن به حق آزادی، حق بیان، حق انتخاب و مانند این‌ها یاد می‌کنند.

در شبکه اجتماعی که در دنیای پست مدرن به وجود آمده و امتداد دنیای مدرن است، اساساً دغدغه محتوا وجود ندارد. دغدغه‌ای که حاکم است دغدغه سبک است.

به داده‌های متعدد به افراد متکثر و متعدد دسترسی پیدا کردید؛ ولی اصلاً بحث محتوا نداریم، ارتباطات شما زیاد شده است. امروزه با وجود شبکه‌های مجازی دید و بازدید و دیدارها از صله‌رحم سنتی بیشتر شده است؛ ولی به قول بنیامین، روح این ارتباطات را از دست دادیم. امروزه روح ارتباطات از بین رفته، هاله آن اثر ارتباطی از بین رفته، شبکه اجتماعی الان در این وضعیت زیست می‌کنند؛ یعنی تعدد، تکثر و مانند این‌ها قابل لمس است.

در ادامه خصوصیت‌های جامعه پست‌مدرن و شبکه‌های اجتماعی با

مسئله دیگری با عنوان «افول فراروایت» مواجه

می‌شویم، فراروایت؛ یعنی روایت اعظم در میان کثرت روایت‌ها وجود دارد که باید به آن بها بدهیم و از آن تبعیت کنیم.

امروزه شبکه‌های اجتماعی با حذف و افول فراروایت‌ها یا به عبارتی روایت اعظم روبه‌رو هستند. اساساً پرسش از شبکه اجتماعی حذف می‌شود. در

شبکه‌های اجتماعی با انبوهی از بمباران داده و اطلاعات مواجه هستیم که ما را به یک خود عالم‌پنداری می‌رساند که این خود عالم‌پنداری ما را به سمت حذف فراروایت، حذف روایت درست، حذف حق می‌رساند.

این خاصیت دنیای پست‌مدرن و شبکه‌های اجتماعی است که این‌ها را رقم می‌زند. همه این‌ها را در کنار بحران هویتی که در شبکه‌ها به وجود می‌آید و اساساً فرد نمی‌داند که ساعت‌ها در این شبکه‌ها به دنبال چه چیزی می‌گردد قرار دهید، آن وقت مشخص می‌شود که چه مسائلی در این زمینه وجود دارد.

شبکه‌های اجتماعی ما را به سمت دهکده جهانی که مک دونالد از آن یاد می‌کرد می‌برد؛ جایی که دیگه زمان و مکان چندان موضوعیت ندارد؛ بلکه فضا و اتمسفر موضوعیت دارد.

در شبکه‌های اجتماعی به واسطه افزایش قدرت آحاد مخاطبان و مردم، ما با افزایش

قدرت ملت مواجه می‌شویم و طبیعتاً دولت و حاکمیت قدرت‌ش کاهش پیدا می‌کند و طبیعتاً نظارت کاهش پیدا می‌کند. وقتی انتخاب‌های فردی موضوعیت پیدا کند ملت‌ها تقویت و گسترده می‌شوند و ممکن است ملت مجازی تشکیل شود. این‌ها بحث‌هایی است که با نسل بعدی شبکه‌های اجتماعی که از آن به «متاورس» یاد می‌شود

احتمال تشکیل آن‌ها وجود دارد. نسل بعدی که شبکه‌های اجتماعی را به یک فضای سه بعدی می‌برد بحث متاورس و اصطلاحاً فراجهان است. متاورس ترکیبی از متا و یونیورس است. شرکت فیس‌بوک هم نامش

امروزه با وجود شبکه‌های مجازی دید و بازدید و دیدارها از صله‌رحم سنتی بیشتر شده است؛ ولی به قول بنیامین، روح این ارتباطات را از دست دادیم. امروزه روح ارتباطات از بین رفته، هاله آن اثر ارتباطی از بین رفته، شبکه اجتماعی الان در این وضعیت زیست می‌کنند؛ یعنی تعدد، تکثر و مانند این‌ها قابل لمس است.

فضای مجازی برویم و چگونه از این شبکه‌های اجتماعی بهره‌گیری کنیم. اساساً انسان مبتنی بر فطرت ارتباطاتی زیست می‌کند. انسان به‌طور فطری دنبال ارتباط با هم نوع خود است. در تمدن ما نیاز به ارتباط داریم؛ یعنی تمدن جایی است که تعاملات انسانی حکم فرماست. شبکه‌های اجتماعی هم دقیقاً همین خصوصیت را دارند؛ چون در شبکه‌های اجتماعی با ورود حداکثری دولت‌ها و باید و نبایدهای نظام از بالا به پایین روبه‌رو نیستیم؛ بلکه ما با گستره تعاملات و مناسبات انسانی روبه‌رو هستیم که می‌تواند بستر ایجاد حوزه عمومی گسترده را برای خیز به سمت تمدن آماده کند.

●

ما می‌توانیم بستر ایجاد حوزه عمومی گسترده را برای خیز به سمت تمدن آماده کند. پس این نکته نخست است که براساس فطرت ارتباطی شبکه‌های اجتماعی زیست می‌کنند و حضور دارند. نکته بعدی نیازمندی است. تمدن، دستگاه حل مسئله و رفع نیاز است؛ یعنی تمدن نیازهای بشری را رفع می‌کند؛ هم‌چنین نیازهای افراد غیرخودش را برطرف می‌کند؛ چه در هرم مازلو چه آنچه که لینتون بیان می‌کند، مانند نیازهای روانی، اجتماعی و زیستی.

شبکه‌های اجتماعی مانند فضای تمدنی

●

اساساً انسان مبتنی بر فطرت ارتباطاتی زیست می‌کند. انسان به‌طور فطری دنبال ارتباط با هم نوع خود است. در تمدن ما نیاز به ارتباط داریم؛ یعنی تمدن جایی است که تعاملات انسانی حکم فرماست. شبکه‌های اجتماعی هم دقیقاً همین خصوصیت را دارند؛ چون در شبکه‌های اجتماعی با ورود حداکثری دولت‌ها و باید و نبایدهای نظام از بالا به پایین روبه‌رو نیستیم؛ بلکه ما با گستره تعاملات و مناسبات انسانی روبه‌رو هستیم که می‌تواند بستر ایجاد حوزه عمومی گسترده را برای خیز به سمت تمدن آماده کند.

●

راه‌ها را تغییر داد. به نظر من الان جامعه ایران باید به شدت آن‌را مورد مطالعه قرار دهد، در حالی که متأسفانه ما به بحث آینده‌پژوهی فضای مجازی ورود نمی‌کنیم.

حال با این مقدمات به بحث ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و تمدن می‌پردازیم. تمدن، واحد اجتماعی بزرگ است و به دنبال هویت واحد، دارای قدرت فراتر از ملت و جامعه و ... است.

ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و تمدن

اگر بخواهیم شبکه‌های اجتماعی را از منظر تمدنی مورد

بحث قرار دهیم؛ می‌توانم از دو زاویه به آن نگاه کنیم. نخست این که می‌توانیم شبکه‌های اجتماعی را به مثابه تهدید تمدنی بنگریم، دیگر این که می‌توانیم به مثابه فرصت تمدنی بنگریم.

شبکه‌های اجتماعی از زاویه فرصت تمدنی

اگر بخواهیم به مثابه فرصت نگاه کنیم شبکه‌های اجتماعی می‌تواند پیامدهای مطلوب تمدنی برای ما داشته باشد. مهم این است که ما چگونه به سمت سیاست‌گذاری

من خودم مؤلفم، من فقط شنونده، گیرنده و دریافت کننده پیام نیستم؛ بلکه من خودم پیام را کدگذاری مجدد و بازخوانی می‌کنم. من انسانی هستم که با توجه به روحیات، زمینه‌های فرهنگی، زمینه‌های دانشی پیام را بازارسال می‌کنم. تمدن به طور کلی انسان خسته، سست و دارای رخوت را نمی‌پذیرد شبکه‌های اجتماعی می‌تواند انسان منفعل را به انسان فعال تبدیل کند. کتاب تنوع

و تمدن در اندیشه اسلامی

حبیب‌الله بابایی را ملاحظه

کنید، ایشان قید می‌کنند که

من‌های جزئی، من و تک

تک افراد جزئی جامعه در اثر

ارتباطات انسانی به یک سری

من‌های کلی تبدیل می‌شوند.

این من‌های کلی در یک

فرایند تکامل به من تمدنی

تبدیل می‌شوند. در شبکه‌های

اجتماعی چنین اتفاقی روی

می‌دهد. جنبش‌هایی که اظهار وجود می‌کنند،

کنشگری می‌کنند و من فرهنگی اجتماعی

منسجم را تشکیل می‌دهند؛ یعنی شبکه‌های

اجتماعی می‌توانند منجر به تشکیل من کلی

شود و من تمدنی را بسازد. انسان امروز باید

برای همیشه این را از ذهن خود بیرون کند

که ما زیست حقیقی خواهیم داشت که

کاملاً منفک از فضای مجازی شود. به نظرم

این موضوع برای همیشه در قبرستان تاریخ

بشریت مدفون می‌شود و هیچ گاه نمی‌توانیم

در رفع این نیازها کوشیده است؛ علاوه بر این نیاز ارتباطاتی، زیست با هم‌نوع را پاسخ می‌دهد. نیازهای اجتماعی مانند نیاز به معرفی خود و حضور در جامعه شبکه‌های اجتماعی است. فردی که اصلاً قدرت حضور اجتماعی نداشته، حتی در یک جمع فامیلی هم نمی‌توانسته چند دقیقه صحبت کند هر روز در شبکه‌های اجتماعی حضور مجازی دارد و سرافکنندگی که قبلاً در زندگی سیطره داشت کاملاً از بین رفته است.

پس شبکه اجتماعی نیاز تمدنی

را برطرف کرده است و آحاد مردم

را وارد عرصه کنشگری کرد. این

امر فرصتی برای رفتن به سمت

تمدن است. باید آحاد مردم به

کنشگر فعال تبدیل شوند. این

کاری است که در تمدن‌سازی

دنبال آن هستند. به‌طور کلی

در تمدن‌سازی با مخاطب

منفعل و دارای رخوت کاری

ندارند، به خاطر این که او فقط مصرف کننده

خواهد بود. در مباحث ارتباط گفته می‌شود؛

ما دو نوع مخاطب داریم: مخاطب فعال و

مخاطب منفعل. مخاطب منفعل کسی است

که خودش را مستقیماً در معرض پیام‌های

رسانه‌ای و محتوای رسانه‌ای قرار می‌دهد و

هیچ گونه تلاش برای فهم پیام ندارد و اجازه

می‌دهد پیام مانند یک گلوله آتشین در مغز

او رسوخ کند و...؛ ولی مخاطب فعال، مخاطبی

است که به رسانه اجازه نمی‌دهد و می‌گوید

انسان امروز باید برای همیشه این را از ذهن خود بیرون کند که ما زیست حقیقی خواهیم داشت که کاملاً منفک از فضای مجازی شود. به نظرم این موضوع برای همیشه در قبرستان تاریخ بشریت مدفون می‌شود و هیچ گاه نمی‌توانیم انسان را بدون فضای سایبر و شبکه اجتماعی تصور کنیم.

همدیگر گفت‌وگو ارتباطی داشته باشند و ارتباطات عقلانی و حوزه عمومی گسترده شکل دهند به جای تنش‌های مبتنی بر جغرافیا و مبتنی بر تنازع منافع و مانند این‌ها همه جست‌وجو برای هویت واحد است. این امر در رمزارزها و ارزهای دیجیتال کاملاً محسوس است؛ یعنی ارزیابی الان مورد رغبت قرار می‌گیرد که مباحثی مانند مالیات و کنترل نظارت دارد از این‌ها

حذف می‌شود. این خواسته ملت عمومی شکل گرفته در شبکه‌های اجتماعی است. این‌ها همه ما را به سمت مفهومی تحت عنوان تمدن سوق می‌دهد. تمدن، حکومت یا یک نظام سیاسی نیست؛ بلکه مناسبات اجتماعی و

تعاملات انسانی مفهوم دیگری برای تمدن است که می‌توانیم این‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به‌روز کنیم.

شبکه‌های اجتماعی از زاویه تهدید تمدنی

شبکه‌های اجتماعی را می‌توان از زاویه تهدید تمدنی هم نگریست؛ یعنی شبکه‌های اجتماعی مانند یک چاقو است، این دو لبه بودن باعث می‌شود که ما هم بتوانیم با عینک تهدید تمدنی به آن نگاه کنیم. شبکه‌های اجتماعی چگونه می‌توانند تبدیل به تهدید شوند؟ طبق نظریه بنیامین در تمدن به دنبال مشترکات تعالی‌بخش هستیم؛

انسان را بدون فضای سایبر و شبکه اجتماعی تصور کنیم؛ بنابراین با توجه به آماری که ارائه کردم، حضور ۷۰ الی ۸۰ درصدی جامعه ایران در شبکه‌های اجتماعی لازم است که ما در این فضا به خوبی بشناسیم و گفت‌وگو کنیم. من‌های جزء جزء که به یک من کلی تبدیل می‌شوند می‌توانند منجر به من کلی شوند. به‌طور کلی تمدن برای مجموعه پاسخ‌های عاقلانه به نیاز بشر

به وجود آمده و شبکه‌های اجتماعی نیاز تولید شده در عصر مدرن، تنش‌های زیاد، کاهش استرس، ابراز وجود انتخاب‌های متعدد، کثرت به جای وحدت، ارتباطات وسیع و همه این‌ها را پشتیبانی می‌کند. خصوصیات برای

تمدن برمی‌شمرند که از آن جمله می‌توان گفت که بزرگ‌ترین واحد اجتماعی را تمدن می‌گویند، الان بزرگ‌ترین واحد اجتماعی شبکه‌های اجتماعی است. پیچیده‌ترین نظام واحد اجتماعی را تمدن می‌گویند، اکنون شبکه‌های اجتماعی یکی از پیچیده‌ترین واحدهای اجتماعی هستند. تمدن، نظام و ابر سیستم اجتماعی است، شبکه‌های اجتماعی هم یک ابرسیستم شدند، ۴/۵ میلیارد از آحاد جهان در این شبکه‌ها حضور دارند که در حال تبدیل شدن به یک هویت واحد هستند. ایجاد ملت به جای دولت‌های متعدد و تنش‌زا، ایجاد ملت‌هایی که با

تمدن، حکومت یا یک نظام سیاسی نیست؛ بلکه مناسبات اجتماعی و تعاملات انسانی مفهوم دیگری برای تمدن است که می‌توانیم این‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به‌روز کنیم.

می‌کند. اجتماع بر اساس نیازهای ارتباطی انسان و فطرت انسانی آن چیزی که در قبایل، در زندگی‌ها، در سنت‌ها و ارتباطات سنتی می‌دیدیم تبلور پیدا می‌کند. هر دو خوبی‌هایی دارند، اگر بتوانیم این دو را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کنیم آن وقت ما توانستیم با تمایززدایی بین اجتماع و جامعه به سمت جمع بین دو تفکیک جامعه و اجتماع در منظر فردیناند تونیس برویم، آن موقع شبکه‌های اجتماعی ما تبدیل به فرصت می‌شوند، به خاطر این که مشترکات زیاد می‌شوند و ارتباطات در عین گستردگی عمیق می‌شود، چیزی که ما الان در دو حالت داریم اگر شبکه‌های اجتماعی را ترک کنیم ارتباطات ما کم می‌شود؛ اما در مقابل ارتباطات عمیق روزانه خواهیم داشت. اگر فقط سمت شبکه‌های اجتماعی برویم ارتباطاتمان گسترده می‌شود؛ ولی عمق آن کم می‌شود و ترکیب میان آن دو که نیاز به فکر، تأمل و پیدا کردن راه‌حل‌های اساسی دارد می‌تواند بستر تمدنی را برای ما ایجاد کند. امروزه شبکه‌های اجتماعی برای ظهور هویت‌های خالص نقاب ایجاد کرده است. اروین گافمن یک نظریه دارد تحت عنوان پشت صحنه و جلو صحنه و مثال می‌زند به پیشخدمت آشپزخانه‌های عمومی هتل یا رستوران و می‌گوید این پیشخدمت وقتی غذا را می‌آورد و جلوی مهمان قرار می‌دهد خیلی با ادب و احترام، یک دست به پشت کمر و یک دست هم بشقاب را گرفته کاملاً

یعنی برخلاف پست مدرن که به دنبال افول روایت اعظم و فراروایت بود. در تمدن مطلوب ما به عنوان یک روایت اعظم و ذیل پرچم حرکت کردن هستیم. در شبکه اجتماعی که وحدت به حاشیه می‌رود و کثرت اولویت پیدا می‌کند. تمدن با خطراتی مواجه می‌شود، کمتر می‌تواند به سمت پیدا کردن اشتراکات برود. فردیناند تونیس، تفکیکی انجام می‌دهد میان جوامع بعد از ظهور رسانه‌ها و بین اجتماع و جامعه تفاوت قائل می‌شود و اصطلاحات آلمانی «گمین شافت» و «گزلشافت» را در این ارتباط ابداع کرد. گزل به معنای جامعه و گمین به معنای اجتماع است. او می‌گوید در اجتماعات، ارتباطات غریزی و عاطفی اتفاق می‌افتاد هر چند تعداد ارتباط محدود بود؛ ولی عمق ارتباطات بسیار ارگانیک و خالص بود؛ چنان که در جامعه ارتباطات ارگانیک به ارتباطات سنجیده تبدیل می‌شوند و ارتباطات تعدد بیشتری پیدا می‌کنند؛ ولی دیگر عمیق نیست؛ بلکه گستره‌اش زیاد شده و سطحی است.

بنابراین اگر به سمتی حرکت کنیم که ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات گسترده و با عمق کم می‌باشد، بتواند گستردگی خودش را حفظ کند و در عین حال عمق خود را افزایش دهد ما به ترکیب جامعه و اجتماع دست پیدا کردیم، آن موقع بستر برای تمدن آماده است. جامعه وجود سنجیده عقلانی و خشک مبتنی بر منافع است که عقلانیت و بری خودش را حفظ

ولی بحران هویت، هویت پنهان و عدم تعلق می‌تواند برای ما مشکل‌زا شود.

نکته پایانی

مطالعه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند پیامدهای تمدنی این شبکه‌ها را نشان دهد. این نکته را نباید فراموش کنیم که

جهان بدون «سوشال نت ورک» و بدون فضای سایبر

جهانی از بین رفته و فراموش شده خواهد بود. ما باید

بتوانیم در جهان شبکه‌های اجتماعی و در جهان‌های

اجتماعی که با این نگاه تولید می‌شود حضور داشته

باشیم تا بتوانیم به سمت تمدن نوین حرکت کنیم.

لازمه این کار این است که شبکه‌های اجتماعی را خوب

بشناسیم و یک آینده‌پژوهی فضای مجازی را از دست

ندهیم. بحث متاورس، مسئله بسیار جدی است که ما الان از آن غافل هستیم.

نباید فرصت‌های شبکه اجتماعی را نادیده بگیریم و فقط سوشال نت ورک را به مثابه یک تهدید تمدنی تصور کنیم.

● به‌طور کلی تمدن با زوال مواجه می‌شود، هرچند آن تعلق خود را در یک فضای تعامل‌گرایی بروز می‌دهد؛ یعنی فرد تعامل‌گرا می‌شود و اصرار ما به جای ساختارها باید بر کنشگری عوامل باشد؛ چرا که عامل‌ها باید از ساختارها در تمدن به شدت قدرتمندتر شوند. در شبکه‌های اجتماعی این اتفاق می‌افتد؛ ولی بحران هویت، هویت پنهان و عدم تعلق می‌تواند برای ما مشکل‌زا شود.

متواضعانه و مؤدبانه؛ ولی وقتی می‌رود پشت صحنه آشپزخانه شاید بد و بیراه هم بگوید و فحش بدهد که چرا بعضی‌ها این قدر سرمایه و پول دارند. طبق نظریه گافمن ما با رفتارهای متضاد در شبکه‌های اجتماعی مواجه هستیم. بحث بدون حس مکان، مکان و جغرافیا یک عنصر به شدت تأثیرگذار در

تمدن است، هرچند در بینش

اسلامی ما دارالاسلام یا امت را فراتر از جغرافیا می‌دانیم؛

ولی باز هم مکان برای ما موضوعیت‌های بسیاری

دارد. در شبکه‌های اجتماعی ما با عبارتی مواجه هستیم تحت

عنوان **NO SENSE OF PLACE** بدون حس مکان، یعنی تعلق

خاطر در شبکه‌های اجتماعی از بین می‌رود که این اتفاق برای

تمدن بسیار خطرناک است. تمدن باید با تعلق شکل بگیرد و آحاد جامعه که می‌خواهند

به سمت تمدن‌سازی بروند، اگر تعلق را کنار بگذارند؛ به‌طور کلی تمدن با زوال مواجه می‌شود، هرچند آن تعلق خود را در یک فضای

تعامل‌گرایی بروز می‌دهد؛ یعنی فرد تعامل‌گرا می‌شود و اصرار ما به جای ساختارها باید بر

کنشگری عوامل باشد؛ چرا که عامل‌ها باید از ساختارها در تمدن به شدت قدرتمندتر شوند.

در شبکه‌های اجتماعی این اتفاق می‌افتد؛

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.